

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی
مطالعات کارورزی در تربیت معلم
دوره ۱ شماره ۳
تاریخ چاپ: تابستان ۱۴۰۰

چگونه توانستم باروش قه که کوبی و نمایش خلاق به رشد و شکوفایی خلاقیت انشای دانش آموزانم کمک کنم؟

سولماز باقری^۱

رضا عابدی تراب^۲

چکیده

آدمی از بدو تولد موجودی پرسشگر است و این در کودکان با رفتارهای مبهوت کننده کاملاً ملموس است. چشمانی که دائماً در حال جست و جو است، با گوش هایی که منتظر کوچک ترین تحریک برای پیدا کردن منبع صدا است و اندامی که با خستگی ناپذیری به هر گوشه ای سرگ می کشد، ولی متأسفانه در بیشتر مواقع این روحیه خلاق تحت تاثیر جهان بزرگسالان نابود می شود. آموزش و به تبع آن محیط های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی جوامع به عهده دارند. لازمه اصلاح کالبد آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت کودکان است، فضاهایی که دارای

^۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، یاسوج، ایران.

Email: soolmaz.bagheri@gmail.com

^۲ - مدرس دانشگاه فرهنگیان، یاسوج، ایران

شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان می باشد به همین دلیل در این پژوهش به بررسی تاثیر قصه گویی و نمایش خلاق بر رشد و شکوفایی و خلاقیت دانش آموزان در درس انشا پرداخته شده است. شواهد حاکی از این است که روش قصه گویی و نمایش خلاق باعث تثبیت و افزایش میزان خلاقیت و یادگیری دانش آموزان در مفاهیم درس انشاء می شود.

کلید واژه: قصه گویی، نمایش خلاق، انشاء



How could I help students' creative writing flourish through storytelling and creative acting?

Solmaz Bagheri¹ *
Reza Abedi Torab²

Abstract

Man is a questioning person from birth, and this character quite evident in children with astounding behaviors. The eyes that are constantly researching, with the ears waiting for the slightest stimulus to find the source of the sound and the organ that tirelessly wanders to every corner, but unfortunately, this creative spirit will be destroyed by the adult world Influencing most of the time. Education and, consequently, educational environments have the greatest effect and role on the mentality and civilization of societies. Necessary to reform of the body of education is to create spaces related to children's activities that have appropriate and ideal conditions for the physical, mental, emotional and social development of children. The effect of storytelling and creative drama on the growth and flourishing and creativity of students in the essay course for this reason has been investigated in this study. Evidence showed that the method of storytelling and creative demonstration stabilizes and increases students' creativity and learning rate in the concepts of the essay lesson.

Keywords: Storytelling, Creative Show, Essay

¹ - Student of Farhangian University, Yasuj, Iran.

² - Lecturer at Farhangian University, Tehran, Iran

مقدمه:

امروزه پرورش و تولید فکر، اندیشه و ایده والاترین هدفی است که در سرلوحه هر نظام فکری تعلیم و تربیت هر قوم و ملتی قرار دارد. آرزو و هدف ملت ها داشتن انسان های متفکر و خلاق با اندیشه های والاست تا از طریق آن بهترین شرایط زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برای هم نوعان خویش فراهم آورند. آموزش و پرورش یکی از مهم ترین و بهترین نهاد تأثیرگذار بر افزایش میزان خلاقیت در افراد جامعه است. از اینرو یکی از اهداف اصلی و دغدغه اساسی نظام تعلیم و تربیت پرورش خلاقیت و آموزش های خلاق به یادگیرندگان است و گام نخست در انجام این مهم شناسایی مبانی خلاقیت و استفاده کاربردی آنهاست (حسن پور و آبادی، ۱۳۹۰).

آزوبل ۱ (۱۹۹۹) در این زمینه می گوید «خلاقیت یکی از مبهمترین و مغشوشترین اصطلاحات در روانشناسی و تعلیم و تربیت امروز است این ابهام به دلیل انتزاعی بودن این مفهوم است و به معنی پیچیدگی جریان خلاقیت نیست چرا که خلاقیت را می توان به راحتی در زندگی روزانه حس و لمس کرد. خلاقیت عبارت است از به کارگیری کامل توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا راهحل یا مفهوم نو نسبت به خود شخص خلاق (رمندی و همکاران ۲، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر شکوفایی استعداد های دانش آموزان که از طریق سنجش عملکرد تحصیلی مورد بررسی قرار می گیرد، یکی دیگر از اهداف آموزش و پرورش به حساب می آید. عملکرد تحصیلی دانش آموزان یکی از متغیرهایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصان تعلیم و تربیت همواره کوشیده اند شرایطی را فراهم آورند تا محصلان، بیشترین کارایی تحصیلی را از خود

۱ . ÁÒæÈá

۲ . Ramandi et al

نشان دهند. عملکرد تحصیلی شامل زیر مجموعه های متعددی از جمله خودکارآمدی، نگیزه پیشرفت، کاهش اضطراب، برنامه ریزی و غیره است (تیلور^۱، ۲۰۰۰).

عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان تحت تأثیر عوامل مختلفی است که اگر این عوامل مورد شناسایی قرار گیرند، به خوبی می توان به اهداف نظام تعلیم و تربیت دست یافت. یکی از این عوامل، برنامه های درسی است. برنامه های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت برنامه. تحقق اهداف آموزش و پرورش عمل می کنند درسی شامل فرصت های یادگیری و تجاربی که به نظارت نظام آموزشی و به منظور ایجاد تغییر مطلوب در دانش ها، مهارت های و نگرش های فراگیران طراحی و اجرا می شود (حاجی زاده و کریمی، ۱۳۹۳).

برنامه درسی بر مجموعه ای از تصمیم های از پیش گرفته شده و مسیر شناخته شده ای که یادگیرندگان بر اساس تشخیص برنامه ریزان باید طی کنند، تکیه دارد. این مجموعه از تصمیم ها، در سند برنامه درسی یا چهارچوب و راهنمای برنامه درسی منعکس می شود که برای یک درس خاص، یک پایه تحصیلی یا یک دوره تحصیلی در نظر گرفته شده است (مهرمحمدی^۲، ۲۰۱۰). هارت^۳ (۲۰۰۷)، در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که دانش آموزان برای افزایش کیفیت یادگیری باید نوع تمرینات آموزشی خود را تغییر دهند.

قصه گویی یکی از بهترین روش ها برای ورود به دنیای کودکان است که به آنها می آموزد چگونه با مشکلات، خلاقانه برخورد و آن را حل کنند. قصه نوعی روایت خواندنی یا شنیدنی است که در آن چگونگی روند تعامل و کنش مندی یک شخصیت با موضوعی بر اساس هدف، تحلیل، دیدگاه و نتیجهی موردنظر نویسنده یا قصه گو بیان می شود (همتی، ۱۳۸۹).

1. Tayler

2. Mehr Mohammadi

3. Haart

آبوثنات^۱ (۲۰۰۳)، معتقد است قصه‌ها سازمان دهنده و تقویت کننده افکار، احساسات، اعتقادات و رفتارهای مردم است.

قصه‌گویی سطح علاقه و در نتیجه میزان مشارکت یادگیرندگان در فعالیت گروهی را افزایش می‌دهد و محیط یادگیری و پرورش فکری کودکان را از حالت خشک و آمرانه و معلم محوری جدا کرده و مولد تفکر خلاق می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند که گرفتن از روش قصه‌گویی می‌توان تغییرات شگرفی در زمینه‌ی یادگیری، سواد آموزی و خلاقیت کودکان ایجاد کرد (رایموند^۲، ۲۰۱۰).

اما به نظر می‌رسد که اگر از قصه‌گویی به شیوه غیرمستقیم استفاده شود بتواند بر خلاقیت کودکان تأثیر بیشتری داشته باشد. قصه‌گویی خلاق یک ارتباط دوجانبه و متقابل بین قصه‌گو و شنونده است که قصه‌گو با بهره‌گیری از فنون قصه‌گویی و با تحریک قوه تخیل مخاطبان خویش و تأثیر متقابل، پیام خود را به شکل جدیدتری به شنوندگان انتقال می‌دهد. در این روش نیاز است دانش‌آموز دست به ترکیب آموخته‌ها و رؤیایها بزند. همچنین به ارزشیابی مفید بودن یا تناسب داشتن افکار خود با محتوای داستان و کنکاش برای ربط دادن آن افکار پردازد و به دنبال راه‌های نو برای آن باشد. از سوی دیگر دانش‌آموز با شنیدن داستان‌ها و قصه‌های ساخته شده توسط هم‌کلاسی‌های خود شیوه‌های تفکر بدیع و خلاقتر از تفکر خود را می‌آموزد (دایکین و همکاران^۳، ۲۰۱۲).

شیوه دیگری که هماهنگ با قصه‌گویی خلاق می‌تواند بر عملکرد دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد و با به‌کارگیری کامل توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا راه‌حل یا مفهوم نو دانش‌آموزان را هدایت کند، نمایش خلاق است. نمایش خلاق تجربه‌ای سازمان یافته است که با دقت طراحی می‌شود و به اجرا درمی‌آید و کودکان در این فرایند صحنه، رویداد، مشکل یا

1 . Arbuthnot

2 . Raymond

3 . Daykin et al

واقعه برخاسته از ادبیات کودکان نظیر قصه را با هدایت آموزگار، به شکل جدید خلق و بازآفرینی می‌کند (بهداد و شهرک، ۱۳۸۱).

هدف اصلی این نمایش‌ها، پرورش است نه نمایش. بازی‌های نمایشی و تئاتر، مورد استقبال کودکان است و نقش مؤثری در رشد تکلم، پرورش اجتماعی و دیگر ابعاد شخصیت کودک ایفا می‌کند. اشتغال به این فعالیت خلاق، علاوه بر پرورش حس زیبایی دوستی و ذوق هنری کودک، نقش مؤثری نیز در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و نابه سامانی روانی و درمانی دارد (جعفری^۱، ۲۰۱۰).

در مدارس امروز نشانه‌های بسیاری از ذوق خلاقیت و ابتکار کودکان به چشم می‌خورد که ممکن است در داستان‌هایی که می‌گویند، اشعاری که می‌سرایند، نمایشنامه‌هایی که اجرا می‌کنند، تصاویری که می‌کشند، چیزهایی که می‌سازند و همه کارهایشان منعکس باشد. معلم باید به این قبیل موارد توجه داشته باشد و شرایطی فراهم آورد تا کودک سهل‌تر و بهتر بتواند پرورش ذهنی پیدا کند و روال عادل و معمولی مدرسه او را بی‌تفاوت و دلسرد نکند. مقطع ابتدایی دوره بسیار مهمی است که باید به شکفتگی و پرورش استعدادهاى کودکان توجه شود تا به تدریج آنها مسیر قطعی ذوق خود را بازیابند که در نتیجه آن اگر دانش‌آموزی مطابق باذوق و استعدادش پرورده شود به حال جامعه سودمندتر بوده و می‌تواند منشأ خدماتی باشد (کروپلی^۲، ۲۰۰۳).

آموزش هنر نیز می‌تواند در تمام جنبه‌های تعلیم و تربیت، تقویت قوه تخیل و خلاقیت، آموزش مفاهیم و پر کردن اوقات فراغت تأثیر شگرفی داشته باشد، از اینرو باید در فعلیت بخشیدن به قوه‌های هنری کودکان کوشید و اقدامات اساسی به عمل آورد و به جای تحمیل معلومات قالب‌ریزی شده توسط دیگران که بجز رکود خلاقیت چیزی ندارد، زمینه لازم جهت افزایش خلاقیت هنری کودکان فراهم آورد (حسین^۳، ۲۰۰۶). در همین

1. Jafari

2. Cropley

3. Hossine

راستا، این پژوهش با هدف نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش دبستانی صورت گرفته است نشان داده است که از دیدگاه مدیران و معلمان میزان نیاز برنامه درسی به آموزش هنر و خلاقیت در رشد، شکوفایی و خلاقیت دانش آموزان چگونه است؟

بیان مسئله (توصیف وضع موجود):

پژوهش مورد نظر در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در یکی از مدارس شهر گچساران انجام گردید. این مدرسه ساختمانی یک طبقه، با مساحت ۲۲۳۴ مترمربع که مجهز به کتابخانه و نمازخانه است و فاقد سیستم هوشمند، دارای یازده کلاس و اتاق سمعی و بصری است.

کادر اجرایی این مدرسه را یازده آموزگار، مربی ورزش و بهداشت، مدیر مدرسه، معاون پرورشی و آموزشی، دو نفر معاون اجرایی تشکیل می دهند. فعالیت این مدرسه در شیفت صبح است.

پژوهشگران با بررسی پرونده‌های دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که از نظر فرهنگی، اقتصادی و میزان سواد؛ خانواده‌های دانش آموزان به طور میانگین در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارند، خانواده‌های دانش آموزان کلاس اول الف نیز وضعیت مشابه با دیگر دانش آموزان این آموزشگاه داشتند. *پژوهشگران این آموزشگاه داشتند.* مسئله‌ای که ذهن پژوهشگران را درگیر کرد و نیاز به تجزیه و تحلیل و حل شدن داشت به شرح زیر است:

طبق مشاهدات اولیه و حضور در این مدرسه به این نتیجه رسیدم که دانش آموزان این مدرسه نظر در تمامی دروس، از لحاظ ارزشیابی کیفی وضعیت خوبی داشته، ولی در درس انشا ضعیف بوده است. و متأسفانه این درس را دست کم می گرفتند. ضمن یادآوری تأثیر انشا بر زندگی آینده و اهمیت این درس مبنی بر اینکه این درس می تواند خلاقیت و توانایی سخن گفتن و حتی نوشتن متن‌های ادبی، انگیزه ی خاصی در این دانش آموزان

ایجاد نشد. پس از تمام تلاش‌ها، برای رفع مشکلش مصمم شدم و با استاد راهنمایم (همکار پژوهش) صحبت کردم و ایشان به عنوان یک موضوع اقدام‌پژوهی آن را به من پیشنهاد داد.

پیشینه پژوهش

رجایی نجف آبادی و علوی لنگرودی در پژوهش خود به بررسی تعیین برنامه‌ی درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر نجف‌آباد در سال تحصیلی (۹۰-۹۱) پرداختند، روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر نجف‌آباد، در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بود که تعداد آن‌ها ۱۹۳۰ نفر بود. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلیه مدارس ابتدایی شهرستان نجف‌آباد یک مدرسه انتخاب و تمامی دانش‌آموزان پایه پنجم مشتمل بر ۷۰ نفر (۳۵ نفر گروه آزمایش، ۳۵ نفر گروه کنترل) برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. به دانش‌آموزان در کنار برنامه دروس دیگر، برنامه درس قصه‌گویی و نمایش خلاق ارائه شد و به دانش‌آموزان گروه کنترل هیچ‌گونه برنامه آموزشی اضافی ارائه نشد. خلاقیت و عملکرد تحصیلی هر گروه یک بار قبل و یک بار بعد از اجرای آزمایش مورد سنجش قرار گرفت. خلاقیت دانش‌آموزان با سافت‌آدهاز فرم (B) تصویری خلاقیت تورنس و عملکرد تحصیلی آن‌ها با استفاده از نمرات نیمسال مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و آمر استنباطی (تحلیل کوواریانس) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که اجرای برنامه درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی، نمره سیالی، نمره بسط، نمره ابتکار و نمره انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان دختر

پایه پنجم تاثیر مثبت داشته و در همه موارد افزایش معنی داری را نشان داده است که می توان نتیجه گرفت نمایش خلاق و قصه گویی در رشد خلاقیت و افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد.

مامی و امیریان (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به تعیین تاثیر نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ی چهارم مقطع ابتدایی شهرستان ایلام پرداختند، روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری در دسترس بود. به نحوی که ابتدا از معلمان مدارس مقطع ابتدایی خواسته شد از بین دانش آموزان، افرادی را که احتمال می دهند در زمینه ی سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت کم‌توان باشند معرفی کنند. پس از مشخص شدن این افراد و گرفتن آزمون، ۶۰ دانش آموز که پایین ترین نمره را در آزمون شخصیتی کالیفرنیا کلارک، تورپ و تیگز، قضاوت اخلاقی دور گانداسین ها و میراوارما و خلاقیت شیفر بدست آوردند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش در ۱۰ جلسه نمایش خلاق شرکت کردند. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغییری نشان دهنده تفاوت معنی‌دار بین گروه آزمایش و کنترل بود. نتیجه گیری اینکه نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ی چهارم مقطع ابتدایی تاثیرگذار بوده است.

زادبخش و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "اثربخشی بازی و قصه گویی بر افزایش خلاقیت کودکان" بیان داشتند، امروزه شعار "نابودی در انتظار شماست، مگر اینکه خلاق و نوآور باشید" پیش روی همه برنامه ریزان و سیاست گذاران است. از آن جایی که مدیران آموزش و پرورش وظیفه رشد و پرورش خلاقیت کودکان را بر عهده دارند، برای نیل به این منظور باید در جهت استفاده صحیح و جهت دار از استعدادها و توانایی های آن ها

گام بردارند، بنابراین همواره در پی یافتن روش های جدید برای ارتقای خلاقیت کودکان هستند. دو مورد از جدیدترین و جذاب ترین این روش ها بازی و قصه گویی میباشد. روش پژوهش از نوع آزمایشی با پیش آزمون- پس آزمون و گروه کنترل می باشد. به همین منظور ۴۸ نفر از دانش آموزان دختر پایه سوم ابتدایی شهر سمنان ۳۲ نفر گروه های آزمایشی، ۶ نفر گروه کنترل) با روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش خلاقیت نیز از فرم ب پرسشنامه خلاقیت سنج تورنس استفاده شد. نتایج نشان داد که استفاده از روش بازی و قصه گویی به طور معناداری باعث افزایش خلاقیت در هر چهار مولفه آن در گروه های بازی و قصه گویی شد. استفاده از روش های بازی و قصه گویی، با از بین بردن موانع خلاقیت، سکون فکری و کمک به حل مسائل با روندی لذت بخش و سرگرم کننده موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان می شود. به همین دلیل دانش آموزانی که در جلسات بازی و قصه گویی حضور می یابند در یافتن راهحل های اصیل و جدید برای مسائل موفق تر هستند.

صالحی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "نگاهی به تفاوت نمایش خلاق با دیگر گونه های نمایش و جایگاه آن در تدریس درس فارسی دوره ابتدایی" بیان داشتند، کودکان سرشار از بازی هستند، بازی قدرت خلاقیت، تمرکز و ابداع را در کودک پرورش می دهد. بازی درمانگر است، بازی نیروهای سرکوب شده روان انسان را که کهکاه به صورت عقده در آمده اند، رها می کند. "نمایش" یک بازی اجتماعی، پویا و آموزشی است. "نمایش خلاق" برای کودکان به مثابه پرورش خلاقیت و انگیزه در ذهن و فکر آن ها است به نحوی که در مسائل تربیتی، روانشناسی و رشد استعدادها و خلاقیت های کودکان نفوذ چشمگیری دارد. نمایش کودک موجب فعالیت خرد و قوه تعقل و اندیشه آن ها می شود. "نمایش خلاق" یکی از شیوه های آموزشی است که در آن کودکان ضمن بازی و همراهی با یکدیگر، در فرآیند آموزش قرار می گیرند. این مقاله قصد دارد ابتدا

ضمن تعریفی از انواع نمایش و جایگاه آن در رشد فرهنگی، اجتماعی و ذهنی و همچنین نقش آن در زبان آموزی (خواندن، نوشتن و درک مطلب) و جایگاه تشخیصی و درمانی "نمایش خلاق" در کتب فارسی دوره ابتدایی پردازد. این تحقیق به شیوه کتابخانه ای تهیه شده است. بیشترین تاکید آن اهمیت "نمایش خلاق" در آموزش به عنوان یکی از بهترین شیوه های آموزشی در کتاب های فارسی دوره ابتدایی می باشد.

همچنین در مطالعات خارجی کاتالا و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان "داستان گویی به عنوان یک فعالیت خلاق در کلاس درس"، در پژوهش خود استدلال نمودند که فعالیت های قصه گویی می تواند به تحریک خلاقیت و فعالیت های خلاقانه به عنوان یکی از مهارت های قرن بیست و یکم در کودکان و دانش آموزان کمک شایانی نماید. ما به جمع آوری دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی و بررسی روش های گزارش شده در ادبیات پرداختیم. ما ویژگی های اصلی را در فعالیت های داستان سرایی خلاق بررسی کرده ایم و کار فعلی توزیع و حمایت از مهارت های خلاقانه کودکان که مطابق با نیازهای علمی آن ها است و توسط معلمان بیان شده است، پرداخته ایم.

گریشام (۲۰۱۴)، بیان داشت، دو انگیزه خلاقیت را به عنوان یک مهارت ضروری قرن ۲۱ در برنامه های درسی ملی در سراسر جهان وجود دارد. در مرحله اول، ارتقاء خلاقیت، عزت نفس، انگیزه و موفقیت دانش آموزان را تقویت می کند و به آنها کمک می کند تا اعتماد به نفس و یادگیرندگان مستقل داشته باشند. ثانيا، توانایی حل مسائل و چالش ها، فراگیران جوان را قادر می سازد تا مهارت هایی را برای ورود به نیروی انعطاف پذیر برای رقابت در بازار جهانی به وجود آورند. بنابراین، آموزش موثر نیاز به توسعه مهارت های تفکر خلاق دانشجویان دارد، به رغم برنامه های درسی که تمرکز بر مهارت های سنتی

^۱ . Catala

تر در سواد و حسابداری است. با توجه به این عجله، این پژوهش تحقیقاتی تمرکز دارد در توسعه تفکر خلاق در سال ۷ دانشجویان انگلیسی در دبیرستان استرالیا. در محدوده برنامه درسی و یک واحد انتخاب شده کار مدنی و شهروندی، معلم یکپارچه شده است فن آوری های داستان سرایی دیجیتال به استراتژی های یادگیری و تدریس آن. او یک واحد کار را انتخاب کرد که در آن دانشجویانش (مرد) مجبور بودند داستان کوتاهی را بر اساس مطالعات شهروندی و شهروندیشان تهیه کنند. یک تغییر قابل توجه در توانایی پسران برای تمرکز همکاری و مبارزه با مشکلات وجود داشت، خطرات و بازسازی، راه اندازی مجدد و بازنویسی وجود داشت. در مجموع، دانشجویان گزارش شده توسط وظایف جذب شده بودند و آماده رفتن به خارج از منطقه راحتی خود بودند. همانطور که یک پسر آن را بیان کرد، "استفاده از فن آوری های دیجیتال برای کمک به خلاقیت من مانند بهشت ... است.

آدریانسین^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود به رابطه ی پارادوکسی نمایش خلاق و خلاقیت در بین دانش آموزان پرداخت. همچنین در پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال بودیم که آیا می توانیم از طریق نمایش خلاق، تفکر خلاق را نیز تقویت کنیم؟ برای پاسخگویی به این پرسش ما از رهبری و نوآوری در سیستم پیچیده استفاده کردیم. برای تبیین خلاقیت و یادگیری با دانش آموزان مصاحبه شد. نتایج نشان داد که از طریق نمایش خلاق می توان خلاقیت را به دانش آموزان آموزش داد. اما هنجارها، قوانین و ساختارها می تواند موانعی برای تفکر خلاق باشد.

¹.Adriansen

جمع آوری اطلاعات (شواهد ۱):

الف) مشاهده

در موارد گوناگون مشاهده شده است که دانش آموزان به خصوص دانش آموزان ابتدایی در درس انشا مشکل دارند، اغلب دانش آموزان به خوبی مسائل ریاضی را تحلیل و حل می کنند و تکالیف خود را به خوبی انجام می دهند اما هنگامی که از آنها خواسته می شد در مورد یک تصویر یا موضوعی مطلبی حتی در حد چند خط بنویسند از نوشتن آن عاجز هستند؛ وضع بدتر زمانی پیدا می شود که از آنها خواسته می شد در مورد موضوعی صحبت کنند برایشان خیلی مشکل بود. برای ادامه بررسی ها دفتر مشق دانش آموزان در اولویت قرار داده شد و پژوهشگران دریافتند که دفتر مشق دانش آموزان در مبحث انشا نسبت به بقیه ی دفترهای تکلیفشان نامرتب و نامنظم تر است لذا برای بررسی صحت این موضوع که واقعا در نوشتن انشا مشکل دارند به مدت یک ماه به آنها گفته می شد که انشا بنویسند و هیچ بازدید و بازخوردی در دفتر آنها ثبت نمی شد، پس از بررسی یک ماهه و مشاهده نامنظمی ها در نوشتن انشا مشخص شد که علاقه و انگیزه این دانش آموزان در درس انشا بسیار کم می باشد. نهایتا با مشورت با پرسنل مدرسه و چند نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان نتیجه گیری گردید که این دانش آموز نسبت به درس انشا، تمایل چندانی ندارد.

ب) مصاحبه

به منظور کسب اطلاعات مفیدتر در مدرسه از دانش آموز سوالاتی به عمل آورده شد که گزیده ای از نظرات هر کدام در پایین آورده شده است:

- ✓ نوشتن انشاء واقعا برایم سخت است.
- ✓ سخن گفتن درباره ی موضوعی خاص برایمان مشکل است.
- ✓ معلم سال قبل به نوشتن انشاء چندان علاقه ای نشان نمی دادند.

✓ از نظر والدین نوشتن انشاء چندان اهمیتی ندارد.

نتایج و پیشنهادات تحقیق:

پس از مشاهدات و مصاحبه با دانش‌آموزان برای راه حل این مشکل ابتدا با استاد راهنمای خود (همکار پژوهشی) مشورت گردید. ایشان در فرصت اولیه اظهار داشته‌اند که به عنوان یک مطالعه اقدام‌پژوهی، باید به سراغ متخصصان تعلیم و تربیت و جستجوی مقالات معتبر اقدام پژوهی در داخل و خارج، در خصوص چگونگی علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس انشاء اقدام نمود. به همین خاطر ابتدا به سراغ اینترنت رفتم و مباحث زیادی را از سایت‌های گوناگون جمع‌آوری کردم. همچنین بعد از نشست تخصصی با حضور اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در خصوص مشکل این دانش‌آموزان، آن‌ها پیشنهاد دادند که مشکل این دانش‌آموز در حوزه‌های گوناگون بررسی شود. بعد از تجزیه و تحلیل و استفاده از تجارب این تیم تخصصی، نتایج زیر استنباط گردید که ممکن است مشکل این دانش‌آموز به دلیل یک یا چند مورد از موارد زیر باشد:

- ۱- جذاب نبودن ساعت کلاس درس انشاء.
 - ۲- عدم داشتن اعتماد به نفس (فقدان خودپنداره مثبت) در نوشتن انشاء و بیان مطالب.
 - ۳- وجود اضطراب و استرس در بیان مطالب.
- با بررسی این مشکلات می‌توان متوجه شد که این دانش‌آموزان و در بقیه دروس نیز مشکلی ندارد اما با توجه به گفته‌های خود آن‌ها مشکل آن‌ها در بی‌علاقگی نسبت به این درس است. در این باره راه‌حل‌های ممکن جمع‌آوری شده است که عبارت‌اند از:

- ۱- تنوع در شیوه‌های تدریس
- ۲- دادن بازخورد سریع و مثبت
- ۳- درخواست از اعضای خانواده جهت همکاری

۴- درگیر کردن دانش‌آموز در فضای تدریس از جمله ایفای نقش توسط دانش‌آموزان

۵- ارائه تدریس در قالب بازی

۶- ایجاد فضای شاد و نشاط انگیز در ساعت درسی انشاء

چگونگی اجرا:

بعد از بیان چگونگی نگارش انشا و بیان نکات لازم نگارشی به شاگردان ، چند نمونه انشا برای آنها خواندم ، قرار شد که در جلسه بعد همه دفترهای انشا خود را به کلاس آورده و در کلاس انشا بنویسند هرچند در ابتدا بچه ها مخالفت می کردند ؛ اعتماد به نفس لازم را برای نگارش انشا را در کلاس نداشتند پس از مدتی بحث و بررسی متقاعد شدند ، که این کار را خودشان انجام دهند تا در کلاس های بالاتر بتوانند از عهده این کار بر آیند.

برای بار اول در مورد یک داستان که در هفته گذشته از کتاب داستان خوانده بودم روی تخته سیاه یک جمله از آن را بدین مضمون نوشتم ((یک روز خرگوش کوچولو تصمیم گرفت تنهایی به جنگل برود کمی که از خانه ی خودش دور شد یک دفعه صدای بلندی را ...)) از دانش آموزان خواستم هر کس بنا به علاقه و سلیقه خود ، ادامه این جملات را بنویسند. بچه ها خیلی احساس نارضایتی می کردند وقتی گفتم حتی اگر دو سطر هم بنویسند قبول است، برای من خیلی اهمیت دارد قبول کردند و نمره خوبی خواهند گرفت ، کم کم شروع به نوشتن کردند جلسه نگارش چون اولین بار طولانی شد ، تمامی انشاها و ذکر تاریخ و امضا ، قرار شد که در جلسه بعد در کلاس خوانده شود، بعضی از انشاها خیلی خوب نوشته شده بود ، قدرت تخیل ، خلاقیت بعضی از بچه ها خیلی خوب بود ، برخی دیگر از نظر جمله نویسی و اصول نوشتاری مشکل داشتند. بعضی ها انشاهای

خنده داری داشتند با خواندن انشاها به کلاس شادابی می بخشیدند , رضایت دانش آموزان را از این روش احساس می کردیم .

برای بالا بردن ضریب دقت دانش آموزان و مطمئن بودن از توجه شاگردان مقرر شد که پس از خواندن هر متن انشای وی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و یک نفر از بچه ها به صورت اتفاقی خلاصه انشای وی برای کلاس بازگو نماید هر چند شروع این کار با سختی بود. چرا که دانش آموزان ابتدا قادر به نوشتن نبودند از جلسه های آینده رغبت و علاقه دانش آموزان کاملاً مشهود بود. برای بررسی و مقایسه تفاوت روند و پیشرفت نگارش نمونه هایی از انشاهای جلسات اول تا ششم را جمع آوری نموده اما نکته مهمتر از این , آن بود که اعتماد به نفس آنها به سطحی رسیده بود که خودشان می توانستند بدون کمک گرفتن و دیکته دیگران خود در مورد موضوع ارائه شده , ولو چند سطر نگارش نمایند. لذا بعد از این موضوع و افزایش انگیزه به کارهای خلاقیتی در دانش آموزان پرداختم و یک برنامه ی ۸ مرحله ای را به صورت جدول زیر برای آنها طراحی کردم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدت زمان	محتوی جلسه	جلسه
۲۰ دقیقه	برگزار کردن جلسه انشا نویسی دانش آموزان در کتاب خانه مدرسه	اول
۲۰ دقیقه	بعد از تدریس درس نگارش در کلاس از دانش آموزان خواسته شود انشای خود را در کلاس با فکر و قدرت تخیل خودشان بنویسند، و سپس آن را به صورت نمایشی در کلاس درس اجرا کند. نوشتن انشا در کلاس درس اعتماد به نفس، قدرت تفکر و خلاقیت و استقلال را در دانش آموز تقویت می کند و او ناچار است که خودش به این تکلیف عمل کند.	دوم
۲۰ دقیقه	در این جلسه، از یک گروه خواسته شد یک کتاب ادبی را به کلاس بیاورد و به منظور آشنایی بیشتر با این نوع کتاب ها برای مطالعه، از دانش آموزان خواسته شد که در دفتر انشا صفحه ای را به معرفی کتاب اختصاص دهند و هر قصه ای را که دوست دارند در مورد کتاب بنویسند.	سوم
۲۰ دقیقه	از دانش آموزان خواسته شد برای تکلیف شب، یک شعر یا متن ادبی کوتاه و مناسب را یادداشت کنند و به صورت یک قصه در کلاس ارائه دهند.	چهارم
۲۰ دقیقه	در این جلسه زمان کوتاهی برای تمرین «خوب سخن گفتن» در کلاس در نظر می گیریم. به این نحو که از دانش آموز می خواهیم در یک دقیقه یا بیشتر درباره ی موضوعی صحبت کند.	پنجم
۲۰ دقیقه	نوشتن داستان از یک ضرب المثل و اجرای نمایشی آن در کلاس برای تقویت خلاقیت و تخیل دانش آموزان.	ششم
۲۰ دقیقه	جمع آوری ضرب المثل ها و جملات ادبی در خصوص یک موضوع جهت افزایش علاقه، ذوق و درک ادبی دانش آموزان.	هفتم
۲۰ دقیقه	ارائه ی موضوع های پیشنهادی از سوی دانش آموزان در کلاس انشا و جمع آوری آن ها جهت تقویت ذوق نوشتن را در دانش آموزان.	هشتم

توصیف وضع مطلوب (شواهد ۲):

طبق مشاهدات انجام شده رفته رفته این دانش‌آموزان انشاهایشان را به خوبی می‌نوشتند. موقع نوشتن انشاء شور و شوق بیشتری را نشان می‌دادند. هم چنین در ارزشیابی‌هایی که در زنگ کلاس و تفریح از ایشان به عمل می‌آمد، پیشرفت و علاقه آن‌ها به این درس قابل ملاحظه بود، هرچند که کاملاً به صورت روان نمی‌توانستند متنی را بنویسند یا درباره‌ی موضوعی صحبت کنند. ولی از دیدگاه معلم کلاس، مدیر مدرسه و خانواده، این دانش‌آموز تغییر کرده بودند.

ارزیابی و اعتبار سنجی:

در بررسی اعتبارسنجی در اواخر سال تحصیلی و مراجعه به مدیر مدرسه از پیشرفت این دانش‌آموزان در درس انشاء اظهار امیدواری کردند و از همه مهمتر اینکه خود دانش‌آموزان به نوشتن متون هرچند کوتاه و بیان آن‌ها بسیار علاقه‌مند شده بودند، وقتی که از والدین او درباره‌ی وضعیت دانش‌آموزان سوال گردید، آنها پاسخ دادند که دانش‌آموزان نسبت به نوشتن انشاء و بیان آن‌ها علاقه بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است.

بحث و نتیجه گیری:

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت دانش‌آموز هنگام انجام قصه‌گویی و نمایش خلاق با موضوعات متعدد روبه‌رو می‌شود و از طرفی چون کنترل اجرا را در دست دارند تلاش می‌کنند که راه‌های تازه بیافرینند و ایده خود را به مرحله عمل درآورند. با انجام این کارها در واقع به افزایش عامل ابتکار و خلاقیت خود دست می‌زنند. آنها با سرگرم شدن می‌توانند قوه خلاقیت خود را رشد دهند و از آنجایی که موضوعات مطرح شده انعطاف‌پذیر بوده و از ساخت مشخصی برخوردار نیستند، شرایط لازم برای افزایش خلاقیت

دانش‌آموزان فراهم آورده و بر میزان توانمندی آنها در دروس انشا می‌افزایند(علوی لنگرودی و رجایی، ۱۳۹۵). همان‌گونه که تحقیقات نشان داده‌اند رشد خلاقیت و بهبود عملکرد تحصیلی نیازمند محیط مناسب است. دانش‌آموزان زمان زیادی از طول روز را در مدارس می‌گذرانند از این‌رو برنامه‌های درسی که جهت آموزش آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد بسیار نقش مؤثری را خواهند داشت. در نتیجه ایجاد شرایط و فضایی که بتوان با شیوه جدیدی به ارائه دروس پرداخت از جمله قصه‌گویی و نمایش خلاق می‌تواند کمک کننده باشد. با این شیوه دانش‌آموزان شیوه تفکر قبلی را کنار گذاشته و می‌توانند به شیوه‌های نو به تفکر پردازند که نتیجه آن ظهور ایده‌های نو و مبتکرانه است. در واقع این شیوه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از پاسخ‌های کلیشه‌ای و تفکر قالبی دور شده و با نگاهی جدید در دروس انشاء به آفرینشی جدید دست بزنند(رحیمی، ۱۳۸۶).

محدودیت ها:

۱. همکاری نکردن والدین دانش‌آموزان مبنی بر بی اهمیت بودن موضوع.
۲. بی اهمیت بودن موضوع از نظر دانش‌آموزان.

پیشنهادات:

۱. داشتن صبر و بردباری معلم در طول سال تحصیلی برای تحمل دانش‌آموزان متفاوت و دارای استعدادها متفاوت.
۲. برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموزان و والدین دانش‌آموزان.
۳. ایجاد فضای شاد و نشاط انگیز در کلاس.

منابع:

- آقاعباسی، یدالله، (۱۳۹۱). نمایش خلاق، قصه گوئی و تئاتر کودکان و نوجوانان، تهران، نشر قطره.
- بهداد، بابک، شارک، محمد، (۱۳۸۱). نمایش خلاق، کتاب کودکان و نوجوانان.
- پشتدار، علی محمد، (۱۳۷۶). قصه گوئی و نمایش خلاق، تهران، پیام نور.
- جعفری، نیما، (۱۳۹۱)، تاثیر نمایش خلاق بر مهارت یادگیری دانش آموزان.
- جمال زاده، محمد، (۱۳۸۱). نقش قصه و قصه گوئی در تربیت کودکان، نشریه آموزشی و تربیتی انجمن اولیاء و مربیان، پیوند، شماره ۲۷۸.
- حاجی زاده، حامد، کریمی، محمد، (۱۳۹۳)، تجزیه و تحلیل بکارگیری قصه گوئی در خلاقیت دانش آموزان دبیرستانی.
- دهستانی، نرگس، محیب، فرشته، (۱۳۸۸). یادگیری دانش آموزان دختر پایه اول ابتدایی شهر تهران سال تحصیلی ۸۷-۸۶، فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۵۹-۷۵.
- رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۱). قصه گوئی در اهمیت راه و رسم آن، تهران، رشد.
- سالکی، حمیرا، (۱۳۹۴). بررسی تاثیر قصه گوئی بر خلاقیت دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان خواف، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- سلیمی، جواد، ضابطی جهرمی، احمد، رحیمیان، مهدی، (۱۳۸۸). نمایش، تهران، مرکز ملی اسپتار ایران.
- شعبانی، نوشین، (۱۳۸۰). تاثیر قصه گوئی برخلاف کودک، فصلنامه پژوهشی تحلیلی آموزشی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۵.
- صالحی، امید، عالیان، حمیدرضا، احمدیان، سکینه، (۱۳۹۴)، نگاهی به تفاوت "نمایش خلاق" با دیگر گونه های نمایش و جایگاه آن در تدریس فارسی دوره ابتدایی، فصلنامه علمی - تخصصی پویا در آموزش علوم انسانی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۴۵.
- میرمحمدی، محمد، (۱۳۹۰). تئوری تحصیلی، رویکرد و چشم انداز، تهران.

ناظمی، یاسر (۱۳۹۲). ادبیات کودکان: رویکردی بر قصه‌گویی نمایش خلاق. تهران: انتشارات چاپار.

همایی، رضا؛ کجباف، محمدباقر و سیادت، سیدعلی (۱۳۹۰). تأثیر قصه‌گویی بر سازگاری کودکان. مطالعات روانشناختی. دوره ۵، شماره ۲. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء تابستان.

یاسایی، مهشید، (۱۳۸۲). قصه‌گویی در کلاس درس، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

Adriansen, Hanne Kirstine, (2010), HOW CRITICALITY AFFECTS STUDENTS' CREATIVITY. Teaching creativity – creativity in teaching, pp.65-84

[Catala](#), Alejandro, [Theune](#), Mariet, [Gijlers](#), Hannie, [Heylen](#), Dirk, (2017). Storytelling as a Creative Activity in the Classroom, **Conference Paper. 1-16.**

Daykin, N. McClean. S & Bunt.L. (2007). Creativity, identity and healing: participants accounts of music therapy in cancer care, *Health*, 11(3), 349 – 370.

Green, E. (2011). Home, School, and Playroom: Training grounds for adult gender roles. *Sex Roles*, 26, 129-147.

Hosseini, A.S. (2006). Hemispheres of the brain involved in creativity. *Journal of Creativity and Innovation*. 13(14):20-26.

Gresham, Peta, (2014). FOSTERING CREATIVITY THROUGH DIGITAL STORYTELLING, 47-58.